

# Examining the Role of Monotheistic Belief in the Family on Hopefulness: A Focus on the Story of Prophet Moses

Tahereh Mohseni<sup>1</sup>

Fadak Izady Dana<sup>2</sup>

1. Assistant Professor and Faculty Member, Imam Sadiq University, Women's Campus t.mohseni@@isu.ac.ir

2. Level 3 Student of Quranic Interpretation and Sciences, Kosar Islamic Sciences Complex izady\_f@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2023.713417

*Orgina Research*

**Received:**

2023-01-15

**Accepted:**

2023-08-16

**Keywords:**

Monotheistic Belief, Family, Hopefulness, Prophet Moses (AS).

**Abstract:** The nature of the divine word in the form of revelation is a point of contention. In this regard, the study of existence in the form of Kon Fayacon's phrase has attracted the attention of researchers. Some, including Radscheit, the author of the entry of Word of God in the Leiden Encyclopedia of the Qur'an, have considered it a verbal address. The upcoming research has examined this entry with a descriptive-analytical approach. The result is that despite the author's accuracy in the number of verses, which is the main strength of the entry; Commenting without citing and referring to the opinions of commentators, inappropriate comparison of Quranic arguments with the teachings of the Testaments, weakness in Quranic citations and unfamiliarity with the basics of Quranic interpretation are among the shortcomings of the work. For this reason, the author's two more obvious conclusions about the prior existence of the matter and the humanity of the words of the Qur'an are ruled out; Because although it is not a matter of verbal existence, the revelation of the Qur'an, due to the immensity of human beings, happened by hearing the words and the divine words, and what is available today as the Qur'an is the same divine word.

## بررسی نقش توحید باوری در خانواده بر امیدآفرینی (با محوریت داستان حضرت موسی)

فدک ایزدی دانا<sup>۲</sup>

طاهره محسنی<sup>۱</sup>

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خواهران t.mohseni.isu.ac.ir

۲. طلبة سطح سه تفسیر و علوم قرآنی، مجتمع علوم اسلامی کوثر izady\_f@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2023.713418

**چکیده:** امیدآفرینی یکی از عناصر اساسی در تکامل و پیشرفت جوامع بشری است که با فراهم ساختن انگیزه لازم، مایه شوق انسان در رسیدن به آرزوها و در نهایت منجر به رشد می شود. از آنجایی که خانواده مناسب ترین بستر تربیتی است با اثرگذاری در حیطه باورها، عادات و رفتار انسان، نقش بی بدیلی در نهادینه سازی عناصر تربیتی، هویت بخشی به افراد و ارتقای جامعه ایفا می کند؛ بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر توحید باوری در خانواده به عنوان یکی از اصول اساسی دین اسلام، بر عنصر امیدآفرینی که جزء لاینفک زندگیست، می باشد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای انجام شده است. یافته ها حاکی از آن است که در قرآن سه نوع امید (مطلوب، نامطلوب و امید به اموری که امیدی به آن نیست) معرفی شده و ره آورد توحید باوری بر هر سه نوع آن اثربخش بوده و به میزانی که مراتب توحید باوری افزایش یابد، کیفیت امید به سمت حقیقی و مطلوب آن سوق می یابد و از امید نامطلوب و کاذب فاصله می گیرد. نوع سوم امید نیز محصول اوج توحید باوری و مراتب بالای آن است. نتیجه پژوهش مؤید آن است که ره آورد توحید باوری در یک کلمه همان امیدآفرینی حقیقی، بر پایه واقعیات هستی است که از طریق خانواده نمو یافته و در ساحت جامعه منتشر می گردد.

صص:

۱۶۱-۱۷۷

نوع مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۵/۲۲

کلید واژه ها:

توحید باوری،

خانواده،

امیدآفرینی،

حضرت موسی (ع)

## مقدمه

امید به آینده روح حاکم بر هر فعالیت و مهم‌ترین ابزار پیشرفت است. انسان امیدوار در طی مسیر حرکت به سمت اهداف هیچ‌گاه به بن‌بست نمی‌رسد. موضوع امیدواری افراد در محیط فردی و خانوادگی و تسری این روحیه به جامعه با عنوان امیدآفرینی، یکی از مسائل مورد تأکید مقام معظم رهبری به‌ویژه در سال‌های اخیر است. دغدغه‌ای صحیح که منشأ آن جنگ ترکیبی دشمن و حمله به باورهاست. تشدید روزافزون حمله‌های دشمن از طریق القای یأس، کتمان پیشرفت‌ها و تزریق ناامیدی، بهترین شاهد بر صحت این نگرانی و حساسیت‌ها و لزوم پرداختن به این موضوع است.

خانواده به‌عنوان مهد پرورش انسان علاوه بر این که مؤثرترین محل برای ایجاد و تقویت عناصر ارتقا و تعالی به شمار می‌رود نقش به‌سزایی در واکسینه کردن افراد مقابل آفات و معضلات اجتماعی دارد و از آنجایی که بنیادی‌ترین واحد سازنده اجتماع است، داشتن جامعه‌ای سالم و متکامل درگرو زمینه‌سازی جهت سلامت و تکامل خانواده است. در دکترین اسلامی ایفای نقش سازندگی اجتماع به عهده خانواده توحید باور است. توحید باوری خانواده، اصلی همه‌جانبه است که علاوه بر بینش و اندیشه، بر اهداف و اعمال انسان نیز اثرگذار می‌باشد. در نظام اسلامی هدف انسان توحید باور نیل به قرب الهی و دستیابی به کمال است، هدفی که تنها با گذر از موانع، تحمل مشقت‌ها و صبر بر سختی‌ها در سیر حرکت از وضعیت موجود به‌غایت مطلوب حاصل می‌گردد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که خانواده توحید باور می‌تواند بستری برای امیدآفرینی باشد.

موضوع امیدواری از آنجایی که پیشران هر حرکت اختیاری است پیشنهادی به قدمت تاریخ آفرینش انسان دارد. در منابع اسلامی نیز آیات و روایات بسیاری به دلیل حائز اهمیت بودن موضوع آمده و ناامیدی از رحمت الهی را جزء گناهان کبیره شمرده است. از میان آثار معاصر می‌توان به کتاب **بیم و امید (خوف و رجاء) از منظر امام خمینی رحمه الله** نوشته مهدی امینی اشاره داشت که در هفت فصل به بررسی ریشه، اهمیت، کیفیت، راه تحقق و مقایسه بیم و امید و توازن میان این دو پرداخته است. نفیسه زارعی و سمیه خوشوقت در مقاله خود با عنوان **امیدآفرینی در قرآن با تکیه بر اندیشه‌های جوادی آملی و علامه طباطبایی (ره)** که در دو فصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ به چاپ رسید، به طبقه‌بندی گزاره‌های ایجاد و تقویت امید در قرآن طبق دیدگاه این دو مفسر پرداخته و راهکارهایی را در دو حیطه اعتقاد و رفتار

بیان می‌کنند. مجید خاری آرانی و همکاران در پژوهشی ضمن مفهوم شناسی امید و شناسایی انواع آن، به تحلیل تربیتی امید در قرآن و روایات با توجه به شاخصه‌های امید و جایگاه آن در تربیت پرداخته و آثار امید در تربیت را در سه حوزه ارتباط با خود، دیگران و جهان استخراج کرده که با عنوان **بررسی مفهوم امید در قرآن و روایات و نقش آن در تربیت انسان** در مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، در دسترس است. **مؤلفه‌های «خدامحوری» و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات** فصلنامه تخصصی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۶، پاییز ۱۳۹۳، کاری از منصور پهلوان و همکاران است که در آن، ضمن معرفی توحید باوری و تقوایی به‌عنوان مؤلفه‌های خدامحوری، زندگی بر این مبنا را موجب رفع و دفع بسیاری از مشکلات دانسته و مواردی چون ترک خودمحوری و ازدیاد خوف از خدا را به‌عنوان آثار فردی، مردم‌دوستی و مهرورزی را از آثار اجتماعی خدامحوری می‌داند. هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌طور خاص به بررسی نقش توحید باوری خانواده بر امیدآفرینی نپرداخته است.

مقاله حاضر درصدد است تا با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای نقش توحید باوری خانواده را بر امیدآفرینی در ضمن تحلیل الگوهای ماندگار داستان حضرت موسی (ع) بررسی نموده و به این سؤال پاسخ دهد که «توحید باوری افراد خانواده در تحقق امیدآفرینی و کیفیت آنچه نقشی دارد؟»

#### مفهوم شناسی امیدآفرینی

امید به معنای آرزو و انتظار، چشم داشتن و چشم‌به‌راه بودن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲: ۲۹۶۳) امید مترادف با رجاء در عربی است. رجاء به معنی توقع و آرزو (ابن منظور، ۱۳۷۵، ۱۴: ۳۱۰) هرگاه با حرف نفی همراه شود معنی ترس دارد (همان؛ الزبیدی، ۱۹: ۴۴۷) و متضاد آن یأس است. (فراهیدی، بی تا، ۶: ۱۷۶) در اصطلاح رجاء را ظن و گمان دست‌یابی به امری که مسرت بخش باشد، گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۳۴۶).

امیدبخشنده، کسی یا چیزی که امیدوار می‌کند، امیدآفرین معادل امیدبخش و امیدبخش به معنی امیدوارکننده می‌باشد (دهخدا، ۱۳۶۵: ۲۲۴).

از تعاریف ارائه‌شده نکاتی قابل استخراج است:

۱- امیدآفرینی مقوله‌ای عام است و در تعریف، هیچ قیدی که آن را محدود و وابسته به اعتقادات انسان کند وجود ندارد؛ بنابراین برای هر انسانی اعم از مؤحد و غیر مؤحد امکان بهره‌مندی از درجات مختلف امید و امیدآفرینی وجود دارد.

۱- با توجه به تعاریف و مفهوم امید در قرآن دو نوع امید قابل شناسایی است؛ امید مطلوب و امید نامطلوب. (پرچم، ۱۳۹۲: ۷) امیدی مطلوب است که دارای خصوصیتی در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری باشد (مطهری پور، ۱۳۹۶: ۷۰).

امید مطلوب در حیطه شناختی: شامل شناخت عمیق از اهداف پیش رو و توجه به آینده و همچنین باور به اسباب و علل تحقق هدف است. شناخت هدف و انتخاب آن، شخص را در مسیری مشخص قرار می‌دهد. از طرفی به نظر می‌رسد اعتقاد به نظام علی و معلولی خداوند در این جهان و استمرار آن مهم‌ترین عامل ایجاد امید باشد، بدین معنا که هر پدیده‌ای را محصول مجموعه‌ای از علت‌های باثبات یافتن، خود اطمینان بخش و برانگیزاننده انسان به سوی فراهم‌سازی اسباب و مقدمات تحقق آن پدیده است.

امید مطلوب در حیطه عاطفی: به معنی آرامش و حس خوشایند برخاسته از یقین و یا ظن به تحصیل نتیجه مطلوب و دلخواه است.

امید مطلوب در حیطه رفتاری: امیدی است که منجر به عمل و تلاش مؤثر در راستای مهیا ساختن اسباب و علل تحقق متعلق امید باشد؛ «زیرا آدمی اگر به چیزی امید داشته باشد، آن را طلب می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۲: ۵۵، ح ۵).

همه افعال اختیاری انسان ناشی از حبّ بقا، کمال و لذت است که این‌ها هم‌ریشه در حبّ ذات دارند. چون انسان خود را دوست دارد به دنبال تأمین بقا، کمال و لذت خود است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۲: ۴۲) به نظر می‌رسد سایر اهداف نیز ریشه در یکی از این سه حبّ دارند.

امید نامطلوب در مقابل امید مطلوب به امیدی گفته می‌شود که در هر یک از سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری و خصوصیات آن‌ها دچار خلل گردد. عدم شناخت درست از هدف زندگی، دل‌بستگی به امور موهوم و بی‌اساس و یا عدم توجه به علل و اسباب استحصال هدف در بعد شناختی، نبود حس اطمینان و آرامش در اثر عدم یقین به کسب نتیجه مطلوب در حیطه عاطفی و انفعال و عدم پویایی

جهت حرکت به سمت هدف از آفات امید مطلوب بوده که آن را به سمت امید پوچ، کاذب و غیر حقیقی می کشاند.

۲- امید و امیدآفرینی از امور مشکک و دارای مراتب است. سطح آگاهی متفاوت افراد درباره اهداف و اسباب حصول در بعد شناختی، عدم برخورداری از آرامش و اطمینان یکسان در بعد عاطفی و عدم تلاش و جدیت یکسان افراد منجر به ایجاد سطوح مختلف امید می شود.

۳- امیدآفرین به شخصی گویند که یا برای خویش یا برای دیگران امید می آفریند.

منظور از امیدآفرینی در این پژوهش مفهوم مثبت و حقیقی آن (امید مطلوب) است.

مفهوم شناسی توحید باوری خانواده

وحدت به معنی افراد و تنهایی و واحد شیئی است که فاقد اجزاء باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۱ق، ۴: ۴۲۶) توحید اصل اولیه و اساسی دین مبین اسلام است و در علوم مختلف کلام، تفسیر و... مبحثی ذواقسام است که به دوشاخه عملی و نظری تقسیم می گردد. توحید نظری خود شامل توحید در ذات، صفات و افعال می شود (سعیدی مهر، ۱۳۹۳، ۱: ۶۷). توحید در ذات به معنی سلب هرگونه ترکیب از خداوندی که از هر جهت بسیط است و همچنین نفی هرگونه شریک و نظیر از خداوند یکتا است. (سعیدی مهر، ۱۳۹۳، ۱: ۷۴) توحید صفاتی به این معناست که صفات ذات خداوند از جهت مصداق و انطباق همه عین هم هستند باینکه از لحاظ مفهوم و لفظ با یکدیگر و با ذات خداوند مغایرند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۰۵) حیات، علم، سمیع و بصیر، عزت و حق از صفات ذات الهی هستند. توحید افعالی یعنی تنها مؤثر حقیقی و مستقل عالم خداوند است و جز او هیچ موجود دیگری فاعلیت تام و استقلالی ندارد (سعیدی مهر، ۱۳۹۳، ۱: ۱۰۰) توحید افعالی از منظر قرآن کریم یعنی هیچ مؤثر مستقلی در عالم غیر از خدای سبحان نیست و قیومیت هستی، آفرینش، مالکیت، ربوبیت، رازقیت و ولایت که هر یک مترتب بر دیگری است، منحصراً از آن خداست (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۷۹). توحید عملی نیز به معنی سریان و نمایان گشتن ثمره اندیشه و توحید نظری در ساحت اعمال انسان است. (سعیدی مهر، ۱۳۹۳، ۱: ۱۲۹) توحید در عبادت یکی از جلوه های توحید عبادی و بدین معنا است که جز خدا احدی معبود نیست و شایستگی ندارد، بنابراین توحید باوری علاوه بر تأمین حسن اندیشه و اعتقاد انسان بر حسن فعل و خطمشی زندگی او اثرگذار است و منجر به زندگی موحدانه می شود. توحید باوری شامل اعتقاد به توحید نظری است، اما از آنجایی که منظور از توحید باوری آن دسته از اعتقاداتی

است که به اعمال توحیدی منتهی می‌گردد، در این پژوهش واژه موحد با اندکی تسامح در معنای توحید باور به کاررفته است؛ بنابراین منظور از توحید باوری، آن اعتقاد توحیدی است که منجر به فعل توحیدی شود.

خداوند در قرآن پس از بیان خلقت انسان، لازمه حرکت تربیتی او را در قالب زوجیت و تشکیل خانواده ترسیم می‌کند (حاجی بابلی، ۱۳۹۶: ۱۸۹). خانواده است مهد پرورش انسان. نقش مؤثر خانواده در تربیت انسان توحید باور به دلیل فراهم‌سازی بستر تعاملی میان افراد بر اساس مودت و رحمت (روم: ۲۱) است که موجب تقویت باورها، کارآمدی و درنهایت نوعی هم‌افزایی میان اعضا می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توحید باوری در خانواده موجب تقویت امید، صبر و آرامش می‌شود (خراسانی، ۱۳۹۹: ۱۴۰)؛ بنابراین خانواده مناسب‌ترین نهادی است که پتانسیل لازم جهت ایجاد، پرورش و تقویت عناصر فردی و انتقال آن به جامعه را دارد.

### نقش توحید باوری خانواده بر امیدآفرینی

بدون باور توحیدی، انسان به شناخت واقعی از خود و جهان پیرامون دست نمی‌یابد، پس نمی‌داند با خود چه کند و چه برخورداردی با جهان داشته باشد، زیرا خداوند خالق جهان و محیط بر همه چیز را شناخته است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۶۰). انسان توحید باور به فقر و نیاز خویش در ایجاد و بقا، همچنین به نیازهای مادی و معنوی که او را فراگرفته واقف است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵) و همواره به دنبال سرچشمه‌ای است که نیازهایش را برطرف و عوامل تهدیدکننده‌اش را دفع کند، وقتی منبع را یافت ناخودآگاه به ستایش آن می‌پردازد و در برابرش خاضع می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۱۸). او خداوند را خالق خویش و همه پدیده‌های جهان می‌داند، بنابراین اگر سودی به سویش آمد خوشحال نمی‌شود و اگر نفعی از او زایل شد غمگین نمی‌گردد «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید: ۲۳) «این به خاطر آن است که برای آنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید» (ترجمه مکارم شیرازی) زیرا همه چیز را آیت الهی و بودونبودشان را وسیله آزمایش می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۶۱). شناخت توحید، افراد را از محدوده تنگ حیات دنیوی فراتر برده «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (جاثیه: ۲۴) و حیاتی به وسعت ابدیت را پیش روی انسان می‌گشاید. «ما از آن خداييم و به سوي او

بازمی‌گردیم» (بقره: ۱۵۶) مسیری که گام نهادن در آن منتهی به امنیت «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۲) و آرامش «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲) دنیوی و اخروی است. توحید باوری باعث می‌شود انسان در مقام عمل نیز تنها عبودیت پروردگار را اختیار کند زیرا یقین دارد که از غیر خداوند کاری ساخته نیست و تنها اوست که همه شئون انسان و جهان را کفایت می‌کند؛ بنابراین با پذیرش عبودیت او خود را از بردگی و بندگی غیرش می‌رهاند «يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَأَرَبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (یوسف: ۳۹) «ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟» (ترجمه مکارم شیرازی) و از این طریق به آزادی دست می‌یابد. چنین شخصی هیچ‌گاه مورد استعمار و استثمار دیگران قرار نمی‌گیرد. بدین ترتیب ره‌آورد موحد بودن را می‌توان در سه محور بازگو کرد:

۱- شناخت واقعی انسان و جهان

۲- امان و آرامش

۳- حریت و آزادی (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۵۷ - ۵۶۳)

بررسی تطبیقی مفهوم امیدآفرینی و شاخصه‌های آن با مفهوم توحید باوری خانواده و ابعاد آن حاکی از انطباق کامل ره‌آوردهای توحید باوری و قدرت اثرگذاری آن بر هر یک از سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری امیدآفرینی است.

در بخش مفهوم شناسی، عام و مشکک بودن امیدآفرینی مشخص گردید، بدین معنا که هر فرد فارغ از گرایش‌های اعتقادی خویش قادر است سطح و مرتبه‌ای از امیدآفرینی را کسب نماید؛ بنابراین در نگاه اول، امیدآفرینی شخص موحد و غیر موحد یکسان به نظر می‌رسد، اما با دقت اندک تفاوت بسیاری در کیفیت امید این دو شخص یافت می‌شود.

توحید باوری باین حقیقت وجودی انسان و تبیین هویت واقعی او و جایگاهش در عالم هستی در قالب پاسخ به سه سؤال اساسی «قال أمير المؤمنين (ع): رحم الله امرء علم من أين و فی أين و إلى أين» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ۱: ۱۱۶) والاترین اهداف را به او شناسانده و با معرفی خدایی یگانه، حکیم، قادر و... که زمام همه امور تنها به دست اوست، راه رفع نیازمندی و اسباب تحقق امید را ارائه

می‌کند. بر این اساس ره‌آورد توحید باوری، بینشی است که در حیطه شناختی امیدآفرینی انسان را به سمت کامل‌ترین اهداف و صحیح‌ترین روش تحصیل مقدمات و اسباب تحقق متعلق امید سوق می‌دهد. درحالی‌که انسان غیر موحد گاهی به اهداف دون اکتفا کرده و یا از راه ناصواب به دنبال چاره است.

حس آرامش، امنیت و نشاط ثمره شناخت، اعتماد و تکیه به منبع لایزال الهی است. رسوخ توحید در جان آدمی او را به سمت اهداف متعالی برده و آینده‌ای روشن برایش ترسیم می‌کند. «قطعاً پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند» (دخان: ۵۱) بنابراین هیچ‌چیز موجب یأس او نمی‌شود و حس خوشایند، ناشی از آرامش حقیقی و دائمی است؛ بنابراین ره‌آورد دوم توحید باوری نیز با حیطه عاطفی امیدآفرینی کاملاً مطابق است.

انسان موحد زمانی آزادی دارد که در اثر رسوخ اعتقاد توحیدی، احدی جز خداوند تبارک و تعالی را شایسته پرستش و بندگی ندانسته و در مقام عمل تنها او را عبادت کند. حصر عبادت در خدا به معنی نفی عبادت غیر او و بندگی او مساوی رهایی از بردگی غیر اوست. از این رو تأثیر توحید باوری بر حیطه رفتاری امیدآفرینی غیرقابل انکار است. شخص موحد که والاترین هدف را برگزیده، آگاه به اسباب تحقق امید است و خدای یکتا را حاضر و ناظر بر خویش می‌داند، در مقام عمل با گام‌های استوار قدم برداشته و نهایت تلاش و جهد خویش را به کار می‌بندد. برخورد با موانع در مسیر رسیدن به مطلوب، منجر به ناامیدی و یأس او نمی‌شود.

همان‌طور که توحید دارای مراتب است موحدان هم درجاتی دارند، ره‌آورد توحید برای همگان یکسان نیست بلکه بستگی به مرتبه و استعداد موحد دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۶۰). امید و امیدآفرینی افراد نیز دارای مراتب بوده و کیفیت آن تابع اهداف، اسباب چاره‌سازی، اطمینان قلبی و حرکت فعال در راستای تحقق امید است.

### مؤلفه‌های توحیدی امیدآفرین در داستان حضرت موسی (علیه السلام)

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (قصص: ۷) این آیه اشاره به وحی خداوند به مادر موسی است مبنی بر این‌که او را شیرده؛ و هنگامی‌که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش که ما او را به تو باز می‌گردانیم و او را از رسولان قرار می‌دهیم.

درباره مادر حضرت موسی (ع) باید توجه داشت که ایشان به دلیل ویژگی‌های وجودی توانستند به مقامی دست یابند که خداوند به ایشان وحی نماید. احادیث وارد شده در تفسیر آیه *كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً* (بقره: ۱۲۳) بر موحد بودن مادران انبیاء از زمان حضرت آدم (ع) تا پیامبر اکرم (ص) دلالت دارد (بحار الانوار، ۱۵: ۱۱۸-۱۲۲). مادر حضرت موسی (ع) بانویی پاک، موحد و فرمان‌بردار در برابر امر خدا (جوهری، ۱۳۸۷: ۲۴) بود، از این جهت خداوند او را از میان سایر نزدیکان حضرت موسی (ع) *السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا* مورد خطاب وحی قرار داد. تشبیه مادر امام زمان (عج) به مادر حضرت موسی (ع) *سَبِيهَةً أُمُّ مُوسَى وَابْنَةَ حَوَارِيٍّ عِيسَى* در زیارت‌نامه حضرت نرجس خاتون مؤیدی دیگر بر فضیلت وجودی این بانوست. از طرفی دستور به شیر دادن اگر صرفاً یک احساس مادرانه بود که نیازی به وحی نداشت، بنابراین می‌توان فهمید که خداوند عصاره وجود و ماده جسم این زن را برای پرورش این پیامبر پذیرفته است. یقین و توحید بالای این بانو عاملی شد که به‌عنوان یک مادر چنین دستوری را امتثال کند (ماهنامه موعود، ۱۳۸۷: ۱۶) همه این مطالب دال بر ظرفیت وجودی بالای مادر حضرت موسی (ع) است که او را مستعد دریافت وحی الهی گرداند.

واژه «قذف» بی‌اعتنایی را به همراه دارد، بر این اساس خدای سبحان به مادر موسی (ع) وحی فرمود که به کودکیت اعتنا نکن؛ به ما اعتنا کن؛ هر چه بخواهی به تو می‌دهیم. این تصمیم را خدا در قلب او انداخت و لفظی در کار نبود. خدای سبحان طمأنینه‌ای از سنخ عزم و اراده به مادر موسی (ع) وحی کرد (جوادی آملی، ۵۴: ۲۲۹) که هم در بخش عملی، اراده و اخلاص او را فعال و تسدید کند و هم در بخش علمی، راه چاره را به او بنمایاند. پس وحی الهی ترسش را زدود و او باکمال آرامش، کودکش را به نیل فرستاد. (جوادی آملی، ۶۲: ۶۵۴)

با تحلیل حرکت مادر حضرت موسی (ع) می‌توان به وجود ویژگی‌های سازنده امید مطلوب در آن پی برد. ایشان برای دست‌یابی به هدف مقدس حفظ جان انسان با دارا بودن معارف توحیدی و یقین به چاره‌ساز بودن اسباب الهی، فرزند خود را باکمال آرامش به نیل انداخت. (جوادی آملی، ۶۲: ۶۵۴) زیرا اینکه مادری تصمیم گیرد برای رهایی کودک خویش از مرگ او را به کام خطر بیندازد با فکر مادی و بدون ایمان توحیدی به منبع قدرت حقیقی امکان‌پذیر نیست.

این ماجرا نقش مؤثر یک مادر موحد را به نمایش می‌گذارد که با داشتن شاخصه‌های امید مطلوب در حیطه شناخت و عاطفه، در عمل دست به اقدامی درست و به هنگام می‌زند که نه تنها تقدیر خانواده

خویش بلکه سرنوشت یک ملت را تغییر می‌دهد.

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يُتَمَتِّلَانِ ... فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ  
قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (قصص: ۱۵ - ۲۱)

این آیات مربوط به حوادث پس از بلوغ حضرت موسی (ع) است. زمانی که وارد شهر مصر شد و شاهد مخاصمه یک اسرائیلی با یک قبطی است و در پی درخواست کمک اسرائیلی وارد نزاع شده و با یک مشت ناخواستۀ مرد قبطی کشته می‌شود. فردای آن روز طی ماجرای دخالت داشتن موسی (ع) در قتل مشخص شده و از آخر شهر (که قصر فرعون در آنجا بود) مردی دوان دوان آمد و گفت: ای تو هستم. موسی درباریان مشورت می‌کردند که تو را بکشند از شهر بیرون برو که من از خیر خواهان پس موسی (ع) نگران از شهر خارج شد و گفت: پروردگارا مرا از شر مردم ستمگر نجات ده.

باید توجه داشت که استعمال واژه و کوزه به جای قتلۀ نشان از غیر عمدی بودن این قتل دارد (جوادی آملی، ۶۳: ۴۸) عمل کشتن قبطی نافرمانی موسی (ع) نسبت به خدای تعالی نبود، زیرا اولاً از روی خطا بود نه عمدی و دوماً جنبه دفاع از مرد اسرائیلی داشت و مرد کافر و ظالمی را از او دفع کرد. از طرفی شیطان با وسوسه آدمی او را وادار به کاری می‌کند که در عین این که گناه نیست، مخالف صواب بوده و انجامش مایه گرفتاری و مشقت است؛ بنابراین جمله اعترافی آن حضرت (ع) نزد پروردگارش به اینکه: به نفس خود ستم کردم، از این حیث است که نفس خود را به خطر انداخته بود. پس معنای درخواست فاغفرلی، طلب مغفرت مصطلح و آمرزش گناه نیست، بلکه مراد این است که خدایا اثر این عمل را خنثی کن و مرا از عواقب وخیم آن خلاص گردان و از شر فرعون و درباریانش نجات بده (طباطبایی، ۱۶: ۲۰ - ۳۰).

آیات این بخش روایتی است از جوان موحدی که در مراحل مختلف همواره به یاد خداست (قصص: ۱۷، ۱۶) و هنگام مواجهه با مشکل بزرگی چون قتل غیر عمدی و قرار گرفتن در موقعیت خطرناک هرگز امید خود را از دست نداده و با جدیت و استواری به مسیر خویش و دفاع از مظلوم ادامه می‌دهد.

وَكَذَلِكَ نَجِّزِي الْمُحْسِنِينَ (قصص: ۱۴) این اصل کلی قرآن درباره همه بندگان صالح و شایسته ( الهی است که خداوند خوف و حزن آنان را برطرف می‌سازد و در زندگی درمانده نمی‌شوند (جوادی

آملی، ج ۶۳، ص ۴۴). در مورد خروج حضرت موسی (ع) باحالت خَائِفًا يَتَرَقَّبُ باید توجه داشت که انبیاء و اولیای الهی از غیر خداوند خشیت ندارند اما خوف به معنی ترتیب اثر عملی دادن، در آن‌ها هم پیدا می‌شود. (جوادی آملی، ج ۶۳، ص ۷۲) بنابراین خروج ایشان از شهر همراه ترس از ضرر و نقص نبوده بلکه به معنی حذر داشتن از خطر بوده و در همان حال طمأنینه و آرامش حاصل از اعتقاد توحیدی ملازم ایشان بود. بدین ترتیب هر سه محور شناختی، عاطفی و رفتاری امید مطلوب در اندیشه و رفتار حضرت موسی (ع) قابل شناسایی است. این در حالی است که ایشان با خطر مرگ و کشته شدن مواجه بوده ولی هرگز امید خود را از دست ندادند.

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿۱۰﴾ فَلَمَّا أَنهَا تُودِي مِنَ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (قصص: ۲۹ - ۳۰)

این آیات فصل دیگری از داستان موسی (ع) مبنی بر حرکت ایشان به همراه خانواده از مدین به طرف مصر و مبعوث شدن به رسالت هدایت فرعون و نجات بنی اسرائیل از دست فرعون است. در این حرکت خانوادگی میانه راه، در شبی سرد که راه را گم کرده بودند، آتشی از جانب کوه طور نظر حضرت را جلب کرد، پس از خانواده خواست تا همان جا درنگ کنند و وی برای جستجو برود، پس ایشان به امید یافتن کسی که راه را بنماید یا آوردن آتش برای گرم شدن (طه: ۱۰) رفت. قرآن در این آیات قسمی نوین از امید را معرفی می‌کند که از دایره تعریف اولیه امید مطلوب و شاخصه‌های آن خارج است. این که حضرت به امید یافتن آتش برای خانواده می‌رود ولی با احراز عنوان نبی مرسل بازمی‌گردد، مصداقی است از این کلام امیرالمؤمنین (ع): «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجُو مِثْلَكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَ حَرَجَ يَفْتَبِسُ لِأَهْلِهِ نَارًا فَكَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَجَعَ نَبِيًّا مُرْسَلًا وَحَرَجَتْ مَلَائِكَةُ سَبِيًّا فَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ عَ وَحَرَجَتْ سَحْرَةَ فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّ لِفِرْعَوْنَ فَرَجَعُوا مُؤْمِنِينَ». (کلینی، ج ۵: ۸۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ۳۹۹)

«مطابق این روایت باید تلاش کرد؛ اما بخش وسیعی از امور با فکر انسان شناخته نمی‌شوند؛ رخدادهای فراوانی نیز در برنامه الهی هستند که با عمل آدمی مسیرشان بر نمی‌گردد، یعنی حوادثی در پیش‌اند که نمی‌توان آن‌ها را مهار کرد؛ نه با اندیشه، نه با عمل، بلکه باید به قدرت غیبی تکیه داشت و به آن رضایت داد. انسان با فکر و مشورت، تاندازه‌ای آگاه و توانا می‌شود و می‌تواند در صدی از کامیابی

را پیش‌بینی کند؛ اما مجهولاتش بیش از دانش‌های اوست و مقدراتی که در توانش نیست، بیش از مقدرات اوست، بنابراین باید به آنچه امید ندارد، امیدوارتر باشد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) ذیل این حدیث چند شاهد می‌آورد و می‌فرماید که موسای کلیم (ع) به امید قبسی از نار رفت و نور وحی نصیبش شد؛ ساحران فرعون به امید جایزه رفتند (وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ) (اعراف: ۱۱۳) و ایمان بهره‌شان شد؛ ملکه سبا نیز به قصد مبارزه سیاسی و پیروزی در سلطنت رفت و از اسلام با سلیمان برخوردار شد» (جوادی آملی، ۵۵: ۳۵).

این آیات در ظاهر از امید‌پدیری که برای حفظ خانواده تلاش می‌کند سخن به میان می‌آورد ولی در اصل رهنمود کریمانه‌ای است بر ضرورت حفظ امید و عدم وقوف در حدّ معین. اصلی که بر پایه آن حضرت موسی (ع) به چیزی ارزشمندتر از مورد امید خود دست‌یافت (جوادی آملی، ۶۳: ۱۲۸). امیدوارتر بودن به آنچه بدان امید ندارد. گویا امید داشتن آدمی به پیشامد خیری که اطلاعی از آن ندارد و تلاشی نیز برای رسیدن به آن نمی‌کند، صرفاً توجه دادن به این مطلب است که انسان موحد ضمن علم به نقص خویش در شناسایی اهداف مطلوب و مسیر دستیابی به آن‌ها و محدودیت در حرکت به سمت آن‌ها به قدرت و رحمت نامحدود خداوند و اینکه جز خیر برای بنده‌اش نمی‌فرستد توجه کرده، بنابراین علی‌رغم داشتن امیدواری معمول با شاخصه‌های شناختی، احساسی و حرکتی، باید با تکیه به شناختی که از خدا دارد به وقوع پیشامد خیر از جانب او امیدوار و پیوسته مطمئن و آرام باشد. گویا توحید باوری عمیق و شناخت خداوند در مراتب بالا، نبود بُعد حرکتی امید را جبران می‌سازد.

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ... فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ ﴿٥٢﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعراء: ۵۲ - ۶۲)

این آیات مربوط به وحی خداوند به موسی (ع) مبنی بر دستور به حرکت شبانه بنی‌اسرائیل و خبر از تعقیب شدنشان می‌دهد. در پی گریختن موسویان، خدای سبحان به دل فرعونیان افکند که باغ‌ها و قصرهای مجلل خود را رها کرده و موسی (ع) و بنی‌اسرائیل را تعقیب کنند تا آنان را در دریا غرق کند، بنابراین همه امکانات فرعونیان به آنان رسید و وارث اندوخته فرعونیان شدند و این سنت الهی است. محل بحث ما درجایی است که دو گروه یکدیگر را از دور دیدند، یاران موسی گفتند قطعاً ما به چنگ فرعونیان خواهیم افتاد؛ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ زیرا یا از پشت سر توسط ارتش فرعون که در تعقیب ماست دستگیر می‌شویم و یا از روبه‌رو توسط دریا غرق می‌شویم.

موسای کلیم (ع) قاطعانه فرمود: «کَلَّا» هرگز چنان که می‌پندارید نخواهد شد زیرا خدای من با من است و به من دستور داده به سوی دریا بروم و به زودی مرا راه می‌نمایاند «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» یعنی اگر قرار بر پیمودن راه دریایی باشد، دریا را برایمان آرام می‌سازد و اگر قرار بر بازگشت و مبارزه باشد، ما را پیروز می‌سازد. حس امنیت و آرامش میان دو خطر، نتیجه ایمان قطعی پیامبر خدا است که جمله اسمیه و تأکید با «إِنَّ» قطعیت آن را اثبات می‌کند (جوادی آملی، ج ۶۱، ص ۵۱۰).

حضرت موسی (ع) نمونه یک انسان موحد و توانمند و در حال تکامل است که به پشتوانه همین خصیصه‌ها، مسئولیت او از دایره فردی و خانوادگی فراتر رفته و رسالت هدایت یک امت را بر عهده او گذاشته می‌شود. نمود این امر در تحول از امیدآفرینی شخصی و خانوادگی حضرت (ع) به امیدآفرینی در جامعه کاملاً مشهود است.

باید توجه داشت که بعد عاطفی عنصر امید وابستگی بسیاری به بعد شناختی افراد دارد. این موضوع با مقایسه طمأنینه پیامبر اکرم (ص) و حضرت موسی (ع) تبیین می‌گردد.

طبق آیات بالا حضرت موسی (ع) در پاسخ به بنی اسرائیل ابتدا با واژه «کَلَّا» گفتارشان را رد کرد سپس با جمله اسمیه و بیانی قاطع فرمود: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» و این گویای طمأنینه اوست؛ یعنی درست است که در ظاهر پشت سر و جلوی ما سبب مرگ قرار دارد ولی اگر خدا دستور دهد که جلو رویم نجات پیدا می‌کنیم و چنانچه فرمان دهد برگردیم، باز هم رهایی می‌یابیم. طمأنینه پیامبر اکرم (ص) بالاتر از این طمأنینه است؛ زیرا پیامبر (ص) وقتی از توطئه ترور نافرجام نجات یافت و به غار رفت و تعقیب‌کنندگان به لبه غار رسیدند، فرد همراه ایشان غمگین شد و گفت اگر ما را پیدا کنند چه خواهیم کرد؟ آن حضرت (ص) فرمود «لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (توبه: ۴۰) تفاوت این دو تعبیر بسیار است، موسای کلیم (ع) ابتدا نام خود را برد و فرمود «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» اما پیامبر اکرم (ص) فرمود «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» نه «إِنَّ مَعَنَا رَبِّي» یعنی اول خدا و ما در سایه اویم. این دو تعبیر مبین دو درجه متفاوت از طمأنینه هستند؛ در یکی ملاک معیت، مخلوق و در دیگری ملاک معیت خداست (جوادی آملی، ۵۴: ۳۳۶).

توحید باوری حضرت موسی (ع) او را به فردی امیدوار و امیدآفرین در جامعه تبدیل ساخت و باعث شد که هیچ‌گاه در زندگی و سختی‌ها به بن‌بست نرسد و علی‌رغم کارشکنی‌های بنی اسرائیل مأیوس نگردد.

## نتیجه‌گیری

۱ - خانواده با حاکمیت محبت و آرامش و به جهت داشتن کارکردهایی از قبیل تولید نسل، پرورش و تربیت نسل آینده و هویت بخشی به افراد، بهترین گزینه برای ترویج، فراگیری و هم‌افزایی عناصر مطلوب از قبیل امیدآفرینی در جامعه است.

۲ - موضوع امیدآفرینی، امری دامنه‌دار بوده و امید مطلوب و نامطلوب که دو طیف مختلف از آن به شمار می‌روند، از طریق شاخصه‌های موجود در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری از یکدیگر تفکیک شده و قابل تمایزند. امید مطلوب در حیطه شناختی، آگاهی به حقیقت وجود انسان و جهان پیرامون و ثبات نظام علی و معلولی است، در حیطه عاطفی به دلیل شناخت حقایق دارای حس اطمینان و آرامش است و در حیطه رفتار به سمت هدف و متعلق امید خویش در حرکت است.

۳ - با بررسی معنای جامع توحید باوری و آثار آن بر زندگی، شناخت واقعی انسان و جهان، امنیت و آرامش، حریت و آزادی از غیر خدا به‌عنوان ره‌آورد توحید باوری شناخته می‌شود.

۴ - نگاه تطبیقی به تعریف امید و ره‌آورد توحید باوری، مؤید اثرگذاری توحید باوری در هر سه حیطه امید است، به‌طوری که هر چه میزان توحید باوری در خانواده افزایش یابد بر کیفیت امید مطلوب و حقیقی افزوده شده و از امید نامطلوب و کاذب فاصله می‌گیرد.

۵ - با نگاه تاریخی به الگوهای ماندگار در قرآن و تحلیل آیات مربوط به حضرت موسی (ع)، نقش توحید باوری افراد خانواده در تأمین شاخصه‌های امید مطلوب و ارتقای کیفیت امیدآفرینی در حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری و میل به حقایق و واقعیات، کاملاً مشهود است.

۶ - آیات ۲۹ و ۳۰ سوره قصص مبین امیدآفرینی از جنسی متفاوت است که تحت ضوابط معمول امید قرار نمی‌گیرد. امیدوارتر بودن به امری که بدان امیدی نیست نسبت به امری که بدان امید است، بدین معنا که امری ورای شناخت و فراتر از تلاش انسان پیشامد کند، تنها در سایه مراتب والای توحید باوری و اتکال به منبع لایزال الهی ممکن می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر وجود ظن و گمان پایدار، بر پایه بینشی ژرف که حس آرامش را به همراه دارد ماحصل درجات والای توحید باوری راستین است.

## منابع:

## • قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، **من لا یحضره الفقیه**، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۵)، **لسان العرب**، چاپ چهارم، دار بیروت.
۳. جوادی آملی، عبدالله، **تسنیم: تفسیر قرآن کریم**، مرکز نشر اسراء، ج ۵۴، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۶۳.
۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، **توحید در قرآن**، ویرایش: حیدر علی ایوبی، چاپ اول، قم، مرکز ۴.
۵. جوهری، شکیب سادات، (۱۳۸۷)، **معماران تربیت: منزلت زن از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی**، قم، دفتر عقل.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۵): **لغت نامه**، مؤسسه انتشارات لغت نامه دهخدا.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ ق)، **مفردات الفاظ القرآن**، نسخه ۴، دار القلم.
۸. زبیدی، مرتضی، (۱۳۸۵)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بی جا، دار الهدایه.
۹. سعیدی مهر، محمد، (۱۳۹۳)، **آموزش کلام اسلامی**، قم، کتاب طه.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۶۰)، **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۱۱. علامه مجلسی، (۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م)، **بحار الانوار**، تحقیق: سید ابراهیم میانجی، محمدباقر بهبودی، چاپ سوم، ط دار الاحیاء التراث.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (بی تا)، **العین**، محقق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، دار و مکتبه الهلال.
۱۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، **الوافی**، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی (ع).
۱۴. الکلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، **الکافی**، المحقق و المصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۱۵. ماهنامه موعود، (۱۳۸۷)، **ماهنامه موعود ۸۸**، ماهنامه موعود، شماره دیجیتالی ۳۷۱۲.
۱۶. مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، (بی تا)، **پرس و جو با موضوع زنان**، نسخه ۲، دیجیتالی.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، **آیین پرواز**، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۸. پرچم، اعظم، مریم فاتحی زاده، زهرا محققیان، (۱۳۹۲)، **ابعاد سه گانه‌ی نظریه امید اسنادبر و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم**، دو فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)، سال دهم، شماره ۱، پیاپی ۱۹، ص ۱ - ۳۰.

۱۹. حاجی بابایی، حمیدرضا، (۱۳۹۶)، راهبرد تربیتی آرامش توحیدی خانواده از منظر قرآن، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، سال هشتم، شماره ۳۱، ص ۱۹۴ - ۱۸۱.
۲۰. خراسانی، علی، (۱۳۹۹)، نقش توحید باوری در مقاومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه علوم قرآن و حدیث، شماره ۱، پیاپی ۳، ص ۱۱۹.
۲۱. مطهری پور، مرتضی، مسعود آذربایجانی، (۱۳۹۶)، ساختار معنایی امید در آیات قرآن کریم، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، سال هشتم، شماره ۳۲، ص ۵۹ - ۸۰.